

طرح کنترل تسلیحات و

امنیت خاورمیانه در «سیبری»

پروژه «کنترل تسلیحات و امنیت خاورمیانه» در اول اکتبر ۱۹۹۵ در مؤسسه مطالعات بین‌المللی صلح استکهلم (سیبری) با برگزاری کنفرانس‌ها و گردهمایی‌هایی آغاز شد. هدف از این گردهمایی‌ها که با شرکت گروهی از کارشناسان، دانشگاهیان، اندیشمندان و سیاستگذاران در خاورمیانه تشکیل شد، مطالعه عمیق‌تر و مشترک عناصر اصلی یک رژیم امنیت منطقه‌ای برای آینده خاورمیانه بود. مرحله اولیه این طرح، به بررسی عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی مؤثر در ایجاد رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای موفق در سایر نقاط جهان اختصاص داده شد. در مرحله دوم، شرکت کنندگان در این طرح این مسئله را مطرح ساختند که آیا می‌توان تجربه‌های سایر ملل در این گونه رژیم‌سازی را در منطقه خاورمیانه مورد استفاده قرار داد. البته در مراحل بعدی، هریک از پژوهشگران در زمینه‌های مربوط به امنیت منطقه‌ای

مقاله‌ای را به گروه ارائه خواهند کرد. این طرح حدود ۱۸ ماه به طول خواهد انجامید و نتایج پژوهش به صورت گزارشی توسط سیبری منتشر خواهد شد.

در نخستین گردهمایی در اسکندریه مصر، در اسفند ۱۳۷۵، ۳۵ شرکت‌کننده از کشورهای اردن، ایران، ترکیه، تونس، فلسطین، اسرائیل، کویت، عربستان سعودی، مصر و لبنان به همراه پژوهشگرانی از سوئد، کانادا، روسیه، آمریکا، بلژیک و آلمان به بررسی رابطه متقابل بین نهادها و عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای پرداختند و پرسش‌ها و فرضیه‌های اصلی این طرح را مشخص کردند. بوهالت، استاد مطالعات استراتژیک در کالج دفاع ملی سوئد و مدیر مؤسسه سوئدی مطالعات بین‌المللی، مقاله‌ای تحت عنوان «رهیافته‌های در حال پیدایش منطقه‌ای و جهانی امنیت قبل و بعد از جنگ سرد» ارائه کرد. وی ادعا نمود که در دوره ۸۹-۱۹۴۵، موفق‌ترین الگوها و مکانیزم‌های امنیت‌آهنایی بوده‌اند که ماهیت انعطاف‌پذیری و قابلیت سازگاری داشته‌اند. تجربه نشان می‌دهد مکانیزم‌های همکاری در زمینه امنیت که در آغاز با مسائل

امنیتی «ملایم»^۱ آغاز شده بودند، در شرایط وجود اراده سیاسی کافی و انعطاف پذیر توانستند به طور مؤثر با برخی مسائل بسیار «خشن»^۲ نیز دست و پنجه نرم کنند. نمونه بارز چنین مکانیزم‌هایی، «فرآیند هلسینکی» است. حالت معتقد است که هیچ تصور واقعی از «نظم نوین جهانی» در دنیای پس از جنگ سرد دیده نمی شود. هیچ الگوی مورد قبول همگانی برای نظام جهانی وجود ندارد و برعکس منطقه گرایی متداولتر شده است. به نظر می آید در زمینه‌هایی مانند کنترل تسلیحات و خلع سلاح، رژیم‌ها و رهیافتهای جهانی روبه افول گذارده اند و اکنون رهیافتهای منطقه‌ای بهترین فرصت برای مقابله با مسائل حل نشده جهان به شمار می آیند. پرسش عمده این است که چگونه نظامهای منطقه‌ای با یکدیگر در یک واحد کلی جهانی ادغام خواهند شد. شاید تکامل یافته‌ترین نمونه یک نظام منطقه‌ای الگوی امنیت «اروپایی» باشد، اما احتمال دارد که این الگو در سایر مناطق جهان موفق و عملی نباشد. برعکس، هر منطقه‌ای باید نظام خود را بر مبنای ارزش‌های مشترک ایجاد کند.

پرسش‌های دیگر این است که چگونه می‌توان هر منطقه را توصیف کرد و چگونه باید اعضایش با قدرتهای خارجی (به ویژه قدرتهای بزرگ) ارتباط برقرار کنند. چگونه یک نظام منطقه‌ای بسازیم در حالی که همه بازیگران منطقه‌ای به آن متعهد نیستند؟

در بحث‌های بین شرکت کنندگان پس از قرائت مقاله حالت، نکات زیر مطرح شدند:

(۱) رابطه بین ارزش‌های جهانی و محلی، در توسعه یک نظام منطقه‌ای پایدار حیاتی است. این نظام باید با ارزش‌های محلی سازگار باشد تا بتواند مشروعیت پیدا کند، اما باید در پرتو ارزشهای مورد قبول جهانی نیز پایدار باشد تا این منطقه منزوی نشود. آیا نیازهای نظام جهانی در برابر نیازهای نظام‌های منطقه‌ای، لزوماً دارای حاصل جمع صفر هستند؟ (۲) آیا عقل و خرد همیشه از جنگی خشونت‌بار سرچشمه می‌گیرد؟ و آیا فقط در دوران پس از جنگ است که پارادایم جدیدی متولد می‌شود؟

دومین سخنران، سعدالدین ابراهیم از مرکز ابن خلدون در قاهره بود که نکات

اصلی مقاله ای با عنوان «تصورات آینده خاورمیانه عربی» را مطرح کرد. در ابتدا، وی با اشاره به آمار تلفات جنگی در درگیری های داخلی و میان کشورها نشان داد که شمار افراد کشته شده بر اثر درگیری های داخلی در خاورمیانه بسیار بیشتر است. بنابراین باید به بعد داخلی امنیت ملی در کشورهای منطقه توجه شود. در هر پارادایم امنیت منطقه ای باید مسئله توسعه جوامع مدنی در رژیمهای دموکراتیک در نظر گرفته شوند. نکته مهم در مورد گسترش دموکراسی در منطقه به اعتقاد سعدالدین ابراهیم آن است که در رژیمهای سیاسی باید به اکثریت اجازه حکومت داد در حالی که حقوق اقلیتها نیز در منطقه حفظ شده باشد. سپس این پژوهشگر مصری به بحث در مورد چهار تصور از آینده پرداخت؛ وی براین باور بود که این چهار پندار در محافل سیاسی عرب برای دستیابی به نوعی حق برای شکل دهی بر آینده منطقه در حال رقابت هستند. این پندارها عبارتند از: (۱) تصور پان-عرب، (۲) تصور پان-اسلام، (۳) تصور خاورمیانه ای و (۴) تصور مدیترانه ای. هریک از این پارادایمها تنها بخشی از گوناگونی منطقه را

منعکس می کند و گروههایی را کنار می گذارد. از دید اعراب، کاربرد هریک از پارادایمها بر مبنای ایده ها و مفاهیم خاصی (مانند نیاز به محافظت از خود در برابر بیگانگانی که رویدادهای منطقه ای را به نفع خود زیر نفوذ قرار می دهند و در این راه به توطئه چینی و مداخله گری نیز متوسل می شوند) استوار است. در پی سخنرانی ابراهیم، این نکات و پرسش ها مطرح شدند: اول اینکه نیاز به بررسی مجدد مفهوم ملی گرایی در منطقه (بویژه آن مفاهیمی که بر قومیت تکیه دارند) در بحث تبدیل رژیمهای فعلی منطقه ای به گونه ای دموکراتیک وجود دارد. برخی از شرکت کنندگان در کنفرانس بیان داشتند که به دلایل متعددی دموکراسی در منطقه ریشه نمی دواند و شاید مهمترین بازدارنده این باشد که غرب خواهان پیامدهای دموکراتیک نیست. چنانچه دموکراسی برای منافع غربی چالشی به وجود آورد (مورد الجزایر)، قدرتهای خارجی از گسترش دموکراسی جلوگیری می کنند. نکته دوم مطرح بودن نگرانی های مناطق فرعی است. در منطقه فرعی خلیج فارس، کشورها خود

را از سایر بخش‌های منطقه خاورمیانه خیلی منزوی احساس می‌کنند. مسئله سوم این بود که غالب شرکت‌کنندگان معتقد بودند تنها آن الگوهای امنیتی عملی خواهند بود که موجودیت هویت‌های متعدد در منطقه را به طور مجزا بشناسند و هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای را کنار نگذارند.

ژان پاسکال زاندرز، مدیر طرح کنترل تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک سیبری، در سومین سخنرانی این گردهمایی به نکات زیر اشاره نمود:

الف) بررسی ماهیت رهیافت جهانی در برابر رهیافت منطقه‌ای برای رسیدن به موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات و امنیت.

به گفته ژان پاسکال، اگر چه شرایط منطقه‌ای ویژه‌ای می‌تواند چشم‌پوشی از گروهی خاص از تسلیحات را دشوار سازد، اما ضمانت‌های امنیتی معاهده‌های جهانی کنترل تسلیحات می‌تواند تصمیم‌گیری برای حذف این توانایی‌ها را هموارتر کند. البته باید بتوان چنین ضمانت‌هایی را از لحاظ نظامی و سیاسی باور کرد.

ب) توجه به ماهیت امنیت به عنوان هدف سیاستگذاری و معرفی آن به عنوان پدیده‌ای ذهنی وزود گذر.

اگر چه کشورها ممکن است به طور رسمی دارای حق حاکمیت باشند، اما تصمیم‌گیری آنان تحت تأثیر عوامل بسیاری قرار دارد که به سهولت قابل اندازه‌گیری نیستند. از این گذشته، در بطن تلاش برای امنیت، این معمای مهم وجود دارد که ممکن است کوشش‌های یکجانبه جدید برای حصول اطمینان از امنیت خود به کاهش امنیت همسایگان ما منتهی شوند. به نوبه خود، این امر باعث می‌شود که کشورهای همسایه آمادگی نظامی خود را افزایش دهند و در نتیجه شرایطی برای کاهش امنیت کشور نخستین فراهم آید.

در این بحث مفهوم «کسر امنیت»^۲ نیز مطرح شد. این ایده به این واقعیت باز می‌گردد که هیچ کشور یا فردی هرگز نمی‌تواند به طور کامل برای تهدیدها آماده شود و همیشه یک کسری باقی خواهد ماند. نیاز به پاسخ در صورت لزوم، ممکن است شامل اقدامات یکجانبه بیشتر برای رویارویی با مشکل تصور شده (مانند به دست آوردن

تسلیمات طرح شده برای مواجهه با تهدید تصویری) یا اقدامات چند جانبه (مانند عضویت در اتحادیه‌ها یا رژیم‌ها و ترتیبات امنیتی) باشد.

پ) بحث در مورد ماهیت مناطق جهانی

در مورد ماهیت مناطق جهانی بر این مسئله تأکید شد که نمی‌توان مناطق را به طور حتم و یقین توصیف کرد، بلکه مناطق روی هم تأثیر می‌گذارند و در بین منافع امنیتی آنها نیز برخی وجوه مشترک دیده می‌شود. تکنولوژی‌های نظامی می‌توانند این مسئله را با اهمیت‌تر کنند؛ به طور مثال، پاکستان برنامه اتمی خود را در پاسخ به برنامه اتمی هندوستان آغاز کرد، اما سلاح‌های هسته‌ای پاکستان بر تصورات اسرائیل از امنیت ملی‌اش در برابر جهان اسلام تأثیر گذاشته است. در بحث‌های بین شرکت‌کنندگان، درباره‌ی ایده «کسر امنیت» خاورمیانه اشاره شد که لازم است تا در این طرح به عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی که منجر به خریداری تسلیحات در سطح منطقه می‌شدند، بیشتر فکر کنیم.

بنابراین برای شناسایی موضوعهای مهم جهت بررسی دقیق‌تر در گردهمایی‌های آینده، دو گروه کاری تشکیل شدند. در گروه نخست، شرکت‌کنندگان کوشیدند تا فهرستی از اصول هدایت‌کننده طرح را به طور کامل تهیه کنند. این توافق حاصل شد که: ۱) مشکل عمده منطقه، اختلاف بین اعراب و اسرائیل و به ویژه بُعد درگیری فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌هاست. در نتیجه تمام مسائل شناسایی شده در فرآیند صلح اسلو (از جمله آینده بیت المقدس، تعیین مرزها، آب و سرنوشت پناهندگان فلسطینی) باید بررسی شوند. ۲) نقش اقتصاد در امنیت منطقه‌ای بسیار مهم است. ۳) گسترش دموکراسی در منطقه باید مطرح شود. ۴) خطرهای ناشی از روش محروم‌سازی و کنار گذاشتن برخی از کشورها و گروه‌ها از امور منطقه‌ای باید مطالعه شوند. هم‌اکنون، عراق از نظام امنیتی منطقه‌ای کنار گذاشته شده است. عراقی‌ها هم مشکلات امنیتی دارند و تصمیم‌گیری‌های امنیتی توسط نیروهای خارجی برای عراق غیرطبیعی و خطرناک است. ۵) نظام امنیتی منطقه‌ای

باید برای کشورهای خاورمیانه مناسب باشد. امنیت یک کشور نباید به معنی وجود نا امنی در کشور دیگری تلقی شود. هر کشور منطقه‌ای باید نیازهای امنیتی خود را در محدوده نیازهای کل منطقه و سایر بازیگران منطقه‌ای توصیف کند. (۶) در انتخاب الگوهای امنیتی، هدف اصلی باید حمایت از تمام کشورهای منطقه باشد و از ترتیبات دوجانبه و یا چند جانبه استفاده شود. (۷) تفاوت‌های ژئوپلیتیک چشمگیری بین مناطق فرعی (مانند مغرب، خاور نزدیک و خلیج فارس) وجود دارند و منافع امنیتی کشورها در آن مناطق فرعی نیز کاملاً مشابه نیستند. (۸) سوءظن دوجانبه به انباشت تسلیحات در منطقه انجامیده است. رژیمهای منطقه‌ای، منابعی را که باید صرف آموزش و پرورش، بهداشت، توسعه اجتماعی و نیازهای حیاتی جوامع شوند، در بخش نظامی سرمایه‌گذاری می‌کنند و حداقل سی درصد از صادرات اسلحه جهانی به کشورهای خاورمیانه ارسال می‌شود. (۹) بدگمانی شدیدی در کشورهای عرب نسبت به سلاحهای کشتار جمعی (به ویژه تسلیحات اتمی) اسراییل وجود دارد. (۱۰) این سؤال مطرح است که آیا تسلیحات شیمیایی در واقع سلاحهای کشتار جمعی مردم فقیر هستند؟ رابطه بین تسلیحات کشتار جمعی و امنیت در منطقه بسیار بحث برانگیز است و باید به دقت در این طرح بررسی شود. (۱۱) رابطه بین امنیت و مسائل اقتصادی و اینکه چگونه عوامل اقتصادی بر موقعیت امنیتی خاورمیانه تأثیر می‌گذارند، مهم است. این پرسش را می‌توان برعکس هم بیان کرد یعنی: آیا می‌توان پرسید که چگونه امنیت می‌تواند به پیشبرد توسعه اقتصادی کمک کند. غالب شرکت کنندگان در کنفرانس اسکندریه معتقد بودند که توسعه اقتصادی پایدار پس از صلح می‌آید و نه پیش از آن. اقتصاد به امنیت کمک زیادی نمی‌کند، زیرا اقتصادهای منطقه‌ای مکمل یکدیگر نیستند. تنها ۸ درصد از مبادلات بازرگانی خارجی بین کشورهای منطقه خاورمیانه و تنها ۳ درصد بین کشورهای خلیج فارس صورت می‌گیرد. تجارت بین کشورهای منطقه به دلیل تفاوت در سطح توسعه، ترکیب جمعیت و دسترسی به منابع طبیعی مشابه و غیره ضعیف است و کشورهای خاورمیانه عموماً مصرف کنندگان

کالاهای تولید شده در خارج هستند. صلحی هستند که به آنها اجازه دهد (۱۲) امنیت برای جذب سرمایه گذاری خارجی ضروری است و این سرمایه گذاری ها برای رسیدن به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار منطقه لازم است. هر رژیم امنیت منطقه ای باید یک بُعد اقتصادی داشته باشد که به سیاست اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مربوط شود. (۱۳) زیرساختارهای لازم برای رشد اقتصادی پایدار، تقریباً در کشورهای منطقه یا وجود ندارند و یا ضعیف هستند. این زیرساختارها باید جدید شوند و همکاری بین کشورهای منطقه در زمینه های ارتباطات (راه آهن، جاده، راههای هوایی، خطوط نفت و گاز، تلفن و غیره) می تواند به این امر کمک کند. (۱۴) دیدگاههای مردم منطقه نسبت به امنیت و صلح بر مبنای موقعیت و طبقه اجتماعی آنها با یکدیگر تفاوت دارد. جامعه بازرگانی (به اصطلاح «عرب های جدید»، صاحبان صنایع، تجار فرامدرن و مقاطعه کاران) علاقه به عادی سازی اوضاع سیاسی منطقه دارند و راه حل مشکلات امنیتی منطقه را در سطح جهانی جستجو می کنند. آنان خواهان

صلحی هستند که به آنها اجازه دهد منافعشان را به حداکثر برسانند، بنابراین فعالانه به دنبال برقراری تماسهایی با دنیای خارج از منطقه یا «افق های جدید» هستند. آنها به دولتها فشار وارد می آورند تا در زمینه ای سیاسی و اقتصادی باز عمل کنند و به نقش مرکزی حکام و بوروکرات ها و به برقراری امتیازها احترام می گذارند. مردم منطقه خواهان پایان دادن به درگیریها هستند، زیرا جنگ و ناآرامی امیدهای آنان را برای توسعه مورد تهدید قرار می دهد. مشکل آنها این است که چگونه حکامشان را وادار کنند تا به نظرات آنها گوش دهند. روشنفکران و طبقه متوسط غالباً در مورد فرایند صلح شکاک و یا مخالف هستند، زیرا در دهه های گذشته بازنده بوده اند. بسیاری از آنان مأیوس و دلسردند، زیرا سطح زندگی و موقعیت اجتماعی آنها به شدت تنزل کرده است. (۱۵) گسترش دموکراسی برای پیشبرد صلح در درازمدت لازم است، اما نباید به سرعت اتفاق بیافتد، زیرا این پدیده می تواند آشوب ایجاد کند و با مقاومت (حتی خشونت بار) از جانب طبقه حاکم خود کامه مواجه شود. مهم است که امید

رژیم‌های امنیتی در مناطق دیگر جهان تهیه کردند. اهداف دوگانه تهبیه چنین فهرستی عبارت بودند از: (۱) تعیین میزان تناسب نظام‌های امنیتی مناطق دیگر برای منطقه خاورمیانه (۲) فراهم آوردن ابزاری برای ارزیابی امنیت خاورمیانه.

۱- تصورات و اهداف:

آیا تصور مشترکی از اهداف رژیم امنیتی از آغاز در بین شرکت‌کنندگان وجود داشت؟ اگر پاسخ منفی است، چگونه این تصورات متضاد را باید با یکدیگر مطابق نمود؟

- اهداف رژیم امنیتی (به طور مثال امنیت تعاونی، امنیت گروهی، بلوکهای امنیتی زیر منطقه‌ای، صلح کامل، ثبات، محیط زیست امن، تبدیل به دموکراتیک شدن، چشم‌پوشی از جاه‌طلبی‌های قلمرویی، عدم استفاده از زور، ضد تروریسم بودن، عدم گسترش تسلیحات اتمی، رشد و ترقی اقتصادی، رفع آسیب‌پذیری‌ها و نابرابری‌های بین کشورهای منطقه‌ای) توصیف شده بودند؟

- آیا این اهداف در فرآیند صلح

به دموکراسی در آینده‌ای نه‌چندان دور وجود داشته باشد. حتی حکام مستبد نیز درک می‌کنند که صنعتی شدن مطلوب نیازمند طبقه تحصیلکرده است و آموزش و پرورش، تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد. (۱۶) مهم است که ساختار، تاریخ، سنن و نیازهای کشورهای خاورمیانه درک شود تا رفتار طبقه حاکمه مورد تحلیل قرار گیرد. مدل غربی دموکراسی غالباً برای خاورمیانه نامناسب است. الگوی «شوراسالاری»^۴ بر مبنای شورا (یعنی راه سنتی به توافق رسیدن) می‌تواند مفید باشد. (۱۷) نقش رسانه‌های گروهی در کشورهای منطقه مهمتر شده‌اند. مردم منطقه از طریق فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، رادیو و سیستم‌های ارتباطی جدید (مانند اینترنت و غیره) از آنچه در خارج می‌گذرد، با اطلاع می‌شوند. بنابراین برقراری حکومت مطلق و بدون محدودیت، به دلیل فشارهای خارجی از جمله مطبوعات جارچی برای حکام دشوارتر شده است.

شرکت‌کنندگان در گروه کاری دوم، فهرستی از پرسش‌ها را در مورد توسعه

تغییر کرد؟

متشکل از دو یا بیش از دو بازیگرند، در تکامل

- آیا تصور از رژیم امنیتی در

رژیم تعریف یا شناسایی شدند؟

اعلامیه اصول یا دستور العملهایی برای این

- چگونه مسائل زیر منطقه ای در

فرآیند منعکس شد؟

مذاکرات منطقه ای مورد رسیدگی قرار

گرفتند؟

۲- مسائل:

- اگر مسائل زیر منطقه ای به موازات

الف- تعریف و ترکیب منطقه ها:

اما مجزا از گفتگوهای منطقه ای مورد توجه

- عضویت رژیم منطقه ای چگونه

قرار گرفتند، این موضوع چه اثری بر تکامل

تعریف یا ترسیم شده بود؟ ایده های

رژیم منطقه ای گذاشت؟

رقیب برای توصیف عضویت جغرافیایی

چگونه وفق داده شدند؟

پ) مسائل نرم و سخت:

- چگونه هویت های چندگانه کشورها

- آیا برنامه کار شامل مسائل

در ترتیبات نهادی منعکس شده بودند؟

«امنیت نرم» و نیز «امنیت سخت» (مانند

- آیا ویژگیهای قومی، قبیله ای،

همکاری اقتصادی، عادی سازی، توسعه

مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و

منابع آب، هواشناسی، نهادهای مشترک،

سیاستهای بازیگران در درون منطقه بر

اقدامات جلب اعتماد متقابل در برابر

تکامل این رژیم تأثیر داشتند؟

توسعه نظامی، حل اختلافهای مرزی،

- تا چه حدی ارزشهای مشترک یا

خلع سلاح و کاهش تسلیحات) می شود؟ اگر

نبود ارزشهای مشترک بر تکامل این

چنین است، آیا این مسائل به موازات هم یا

رژیم تأثیر داشتند؟

یکی پس از دیگری در فرآیند تشکیل

رژیم مورد خطاب قرار گرفتند؟

ب) مسائل زیر منطقه ای در

درون رژیم منطقه ای:

- آیا مناطق فرعی یا آنهایی که

ت) روابط متقابل رژیم امنیتی و امتیازهای ویژه کشور:

- چگونه مسئله توسعه رژیم فراملی را با امتیازهای ویژه کشوری وفق دادند؟

ث) شرایط ثبات رژیم:

- آیا طرفین، گسترش دموکراسی را به عنوان شرط لازم برای ثبات درازمدت رژیم امنیتی جدید در نظر گرفتند؟

- چگونه فرآیندهای انتقال به دموکراسی بر رژیم های امنیتی تأثیر گذاشت؟

۳) فرآیند:

الف) پیش شرط های فرآیند:

- آیا عادی سازی روابط بین طرفین یک پیش شرط لازم برای آغاز فرآیند صلح و یک پیامد ناشی از این فرآیند است؟

- آیا پیش شرط های دیگری برای محدود کردن مشارکت در این فرآیند وجود داشتند؟

- آیا پیش شرط دیگری لازم است تا این فرآیند آغاز گردد؟

ب) فراگیرندگی رژیم سازی.^۵

- آیا تمام اعضای منطقه ای شناسایی شده از آغاز در مذاکرات مربوط به رژیم سازی مشارکت داشته اند؟ آیا پیش شرطی وجود داشت که فرآیند ایجاد رژیم، تنها باید با حضور تمام طرفین منطقه ای شناسایی شده شروع شود؟

- اگر جواب به پرسش بالا منفی است، چگونه این فرآیند، مسئله ورود دیرتر طرفین مذاکره و موضوع پیوستگی کشورها یا گردهمایی را که در ایجاد رژیم امنیتی مشارکت نداشتند، حل می کند؟

پ) مدیریت مرحله رژیم سازی:

- آیا عمل تشکیل رژیم (امنیتی) تنها به وسیله بازیگران منطقه ای پشتیبانی و اداره شد؟

- اگر جواب به پرسش بالا منفی است، بازیگران فرامنطقه ای چه نقشی ایفا کردند؟ اصول سازماندهی این فرآیند

(به طور مثال، تصمیم گیری به اتفاق آراء، تعیین قانونمندی بین المللی، عدالت، حکمیت و غیره) چه بودند؟

- ۱- آیا مسائلی وجود داشتند که بر سر آنها اختلاف آرای شدیدی وجود داشت؟ این مسائل چگونه حل شدند؟
- ۲- چه موفقیت‌های مهمی در رژیم‌سازی وجود داشتند و چه مدت زمانی طول کشید تا به انجام رسیدند؟
- ۳- رابطه با ترتیبات فرامنطقه‌ای: (ج) منافع قدرتهای فرامنطقه‌ای در منطقه (به‌طور مثال دسترسی به منابع طبیعی و نزدیکی جغرافیایی) چه بودند؟
- ۴- آیا قدرتهای فرامنطقه‌ای در تکامل رژیم امنیت منطقه‌ای نقشی داشتند؟
- ۵- چگونه این رژیم با مسائل مربوط به محدودیت واردات تسلیحات به منطقه برخورد کرد.
- ۶- آیا رابطه بین رژیم امنیت منطقه‌ای و رژیم‌های جهانی تعریف شده بودند؟
- ۷- چگونه این رژیم بر حضور نیروهای نظامی خارجی اثر می‌گذارد؟
- ۸- تشویق طرفداری از رژیم: چگونه طرفین اقدام به ایجاد و گسترش طرفداران داخلی برای رژیم در حال تحول نمودند؟
- ۹- آیا هیچ نوع همکاری در سطح مدنی بین نهادهای پژوهشی و آموزشی در زمینه مسائل مربوط به رژیم امنیتی وجود نداشت؟
- ۱۰- آیا نهادهای منطقه‌ای جدیدی در مسائل چگونه حل شدند؟
- ۱۱- چه موفقیت‌های مهمی در رژیم‌سازی وجود داشتند و چه مدت زمانی طول کشید تا به انجام رسیدند؟
- ۱۲- هماهنگی فرآیند رژیم‌سازی: اگر مذاکرات منطقه‌ای دیگری همزمان وجود داشت، آیا رابطه مورد توافقی بین این مذاکرات و فرآیند ساخت رژیم دیده می‌شد؟
- ۱۳- رویه‌های متقارب و مکمل (مانند رویه مذاکرات غیررسمی) فرآیند رسمی چه نقشی در پشتیبانی از رژیم امنیتی ایفا کردند؟
- ۱۴- تشویق طرفداری از رژیم: چگونه طرفین اقدام به ایجاد و گسترش طرفداران داخلی برای رژیم در حال تحول نمودند؟
- ۱۵- آیا هیچ نوع همکاری در سطح مدنی بین نهادهای پژوهشی و آموزشی در زمینه مسائل مربوط به رژیم امنیتی وجود نداشت؟

منطقه ای در مناطق جغرافیایی مختلف و بررسی و قابلیت کاربرد آنها در خاورمیانه دور هم گردآمده بودند. مقالات و سخنرانی هایی در جلسات مختلف به شرح زیر مطرح شدند:

- «توسعه رژیم امنیتی اروپایی» توسط

آدام دانیل راتفلد لهستانی الاصل و رئیس مؤسسه سیپری.

- «کنترل تسلیحاتی و اقدامات

جلب اعتماد متقابل در رژیم اروپایی» توسط

یان پرادتیز سوئدی و عضو مؤسسه

پژوهش دفاعی سوئدی در استکهلم.

- «روندهای جدید صادرات

بین المللی اسلحه» توسط یان آنتونی

مدیر طرح تجارت اسلحه در سیپری.

- «سوئد و فرآیند صلح خاورمیانه»،

توسط یان نورد لندر رییس بخش خاورمیانه و

آفریقای شمالی وزارت خارجه سوئد.

- «رژیم امنیتی آمریکای لاتین»،

توسط ریکادو ماریو رودریگز مشاور وزیر و

عضو هیئت دائمی ونزوئلا در سازمان

کشورهای آمریکایی در واشنگتن دی.سی.

- «مطالعه موردی منطقه ای عاری از

تسلیمات اتمی و قرارداد های مربوطه:

معاهده تلاتالکو و قرارداد هسته ای

آرژانتین-برزیل» توسط جان اتان ردیک،

استاد دانشگاه ویرجینیا و مارکو مارزو از اداره

ارزیابی و برنامه ریزی آژانس آرژانتینی -

برزیلی حسابداری و نظارت بر مواد اتمی در

ریو دو ژانیرو.

- «مطالعه موردی توسعه رژیم امنیتی

آسیا- منطقه اقیانوس آرام»، توسط

ترور فیندلی، استرالیایی، مدیر طرح

امنیت منطقه ای و پاسداری از صلح در

سیپری.

- «آسه آن: سازمانی منطقه ای در

حال تحول»، توسط آمیتا و آچاربه،

استاد دانشگاه یورک کانادا.

- «استفاده از تکنولوژی اطلاعاتی

به عنوان اقدامی برای جلب اعتماد: اینترنت،

تبادل اطلاعات و شبکه های منطقه ای»،

توسط گرد هاگمایر- گاوروس آلمانی الاصل

و پژوهشگر و مدیر تکنولوژی اطلاعاتی در

سیپری.

در پایان این گردهمایی تصمیم

گرفته شد که گزارش نهایی طرح با عنوان

احتمالی «رژیم امنیتی آینده در خاورمیانه»

تهیه و مسائل زیر در آن مطرح شوند:

بخش ۱ - پیشینه موضوع:

بخش ۳ - شرایط و پیش شرط‌های

- چالش‌های امنیتی (از جمله جنبه‌های کمی و کیفی روندهای جاری فروش و گردآوری تسلیحات).
- ساختار فرآیندهای جاری صلح در تمام مجامع و محافل، خلاصه روندهای جاری بررسی تهدیدها و چالش‌های احتمالی).
- رژیم امنیتی منطقه‌ای
- جنبه‌های نظامی و سیاسی تشکیل یک رژیم امنیتی
- مراحل تشکیل یک رژیم امنیت منطقه‌ای
- نقش شناسایی و بیان اصول در ایجاد یک رژیم امنیتی

- شرکت کنندگان در منطقه کدامها

بخش ۲ - اهداف و عناصر رژیم امنیتی هستند؟

- منطقه‌ای:
- الف) چرا به یک رژیم امنیتی در خاورمیانه نیاز داریم؟
- ب) هدف از رژیم امنیتی چیست؟
- پ) چه نوعی نظام امنیتی لازم است؟
- ت) رابطه نظام امنیتی منطقه‌ای با نظام‌های امنیتی جهانی چیست؟
- نقش قدرتهای بزرگ چیست؟
- نقش قدرت همسایه مجاور چیست؟
- نقش مناطق فرعی در امنیت منطقه‌ای چیست؟

بخش ۴ - سایر موضوعات:

- شفافیت و روشن بودن عناصر رژیم
- ماهیت تعهدها: رسمی، غیررسمی، لازم الاجرا بودن از لحاظ سیاسی و حقوقی، امنیت منطقه‌ای اشتراکی در برابر امنیت هماهنگ شده.
- نقش اقدامات مربوط به جلب اعتماد متقابل (۱) در ایجاد یک رژیم منطقه‌ای، (۲) در تشخیص اقدامات جلب اعتماد و کنترل تسلیحات

- نقش تسلیحات کشتار جمعی

- نقش کارشناسان

- توسعه اقتصادی و مالی

عوامل اقتصادی-اجتماعی، مذهبی و فرهنگی تأثیر گذار بر امنیت منطقه ای را نیز در نظر بگیریم.

نوشته: دکتر سعیده لطفیان
عضو هیات علمی دانشکده حقوق
و علوم سیاسی دانشگاه تهران

1. Soft
2. Hard
3. Security Deficit
4. Shuracracy
5. Regime Building

- توسعه سیاسی و دموکراسی (دموکراسی امنیت و رعایت حقوق بشر)

- ابعاد اجتماعی و فرهنگی امنیت (انفجار جمعیت، مهاجرت مردم از روستاها به شهرها و تهاجم فرهنگی)

- مسائل زیست محیطی (از جمله آمادگی آب و هوا، کمبود آب و وقوع زلزله)

یکی از مهمترین نتیجه گیری ها این بود که نباید تعریف ایستایی از «امنیت» ارائه دهیم و باید به تمام ابعاد و سطوح مختلف آن توجه نماییم. نه تنها بعد نظامی-سیاسی امنیت، بلکه رابطه متقابل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی